



نفس کشیدن در دیار فردوسی را قادر بدانیم

طرح یک تابستان باشانه‌نامه، نخستین طرحی بود که در قالب آموزش برای کودکان و نوجوانان در آرامگاه فردوسی به اجرا رآمد. ایده اولیه آن را مسئول مجموعه تاریخی و فرهنگی آرامگاه فردوسی داد و شورای اجتماعی محلات و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مستقر در آرامگاه را برای اجرا و سطح میدان آورد.

مسئول مجموعه تاریخی و فرهنگی آرامگاه کودکان و نوجوانان توسعه با فردوسی و شاهنامه باید قدم بیشتری برداشت شود و در توضیح طرحش چنین می‌گوید: حرف من همیشه این است که وقتی بچه‌های توسعه درباره توسعه باشد، فردوسی و شاهنامه شناخت پیدا کنندم تو اندخدمات بهتری به این خطه ارائه دهند. باید آن هابداندکه در جایی نفس می‌کشنده بزرگانی مثل فردوسی، پوده‌اند و حافظ آن باشند.

طبق گفته های رضا یوسفی طرح یک تابستان باشانه مه، بهمین هدف در خرداباهمراهی هشت مربی که داوطلبانه پای کارآمدند. آماده اجرا شد تا کودکان بلافاصله بعد از تعطیلی مدرسه آموزش بیننداماجنگ دوازده روزه و بعد از آن تعطیلی هاطرح راه تقویق انداخت و از اخیر تیر ماه بسیاری از کودکان و نوجوانان بولوار شاهنامه سرکلاس این آموزش هانشستند.

او باتأکید براینکه این بچه ها باید با شاهنامه مأتوس شوندو سفیران زبان فارسی و شاهنامه در مدارس و بین خانواده ها باشند، می گوید: بیرای همین سطح آموزش را رساندیم به میزان درک آن ها؛ یعنی بازیاب خودشان آن ها را با نقلی، داستان های شاهنامه، آین ها، ابیات و رمزهایشان و آشنا کردیم.

یوسفی معتقد است این بچه ها که همسایه آرامگاه به شمارمی ایند. با یاد طوری آموخت بینندگه از رفتار فیتشان در آینده در آرامگاه استفاده کنند. البته به گفته او مجموعه های تشییعی دارد: اینکه در جشن و برنامه های داخل آرامگاه از ظرفیت همین کودکان و نوجوانان استفاده کنند. مسئول مجموعه تاریخی و فرهنگی آرامگاه فردوسی که از استقبال خوب بچه ها زاین برنامه در تابستان می گوید. اشاره می کند که بایاشدند مدارس، آموزش های راگان قالب متفاوت، بیداخواهد کرد.

پرقرار کنند۔

اوین حضور دا او طلبانه رابه نیت شادی روح مرحوم پدرش پذیرفت که سال هامعلم ادبیات بود و اولین جرقه های شناخت فردوسی و شاهنامه را در وجود اروشن کرد.

گوش شنوای بچه های توس

مهمازمانه ای را در مدارس درس شاهنامه می دهد و امروز خودش را مدیون فردوسی و شاهنامه می داند.

شنینه هر هفتۀ بچه های شوق یادگرفتن نقالی، سر کلاس هایش در آزمگاه حاضر می شوند و اول برایشان از شاهنامه می گوید و نقلی آن. البته که خود مزیارت آنکه می کنند را آموژش های بیشتر دنیال این بود که بچه ها ابتدا با شاهنامه آشنا شوند بعد نقالی را شروع کنند؛ هر کار مقدمه ای دارد و مقدمه نقالی هم شناخت خوب شاهنامه است.

البته می توان متنی به بچه داد و گفت فقط کند و نقالی اش را جرا کنند. اما این کار آورده ای ندارد. به همین دلیل در این دو ماہ تلاش بکردم بچه ها ابتدا بپندهای شاهنامه آشنا شوند و بعد نقال آن شوند. او تعريف می کند: این بچه ها واقعاً به شاهنامه علاقه مند بودند؛ برای همین هر روز می دیدیم کتابشان را زیر بغل زده اند و خودشان را به کلاس هارسانده اند و از بینشان، چند نفر هم در نقالی پیشرفت خوبی داشتند.

بچه‌هایی سرشار از شوق آموختن شاهنامه

سارامروی نیا، مسئول آموزش تئاتر در این طرح است تابچه های بگیرند
چطور نقال بهتری باشند.
او که سال هاست بازی انجمن صنفی کودکان و نوجوانان درنمایش و
تئاتر است، می گوید: کودک، شکل دهنده زندگی فرد در آینده است. پس
گرنها لی در این دوران در وجود کودک کاشته شود، حتما روزی ریشه
می زند و سربرمی اورد. بهترین روش برای اینکه شاهنامه شناسانده شود،
همین بچه هاستند.

مروری نیامی گوید: من در این طرح به بچه های اراد می دادم چطور حس هارا در حکایت بیان کنند و در حالت های مختلف چطور بrixور داشته باشند تا آماده نقالی شوند. بین آنها بچه هایی حضور داشتند که بدون هیچ زمینه آموزشی، بسیار با استعداد بودند.

به گفته این مربی، این کودکان سرشار از شوق آموختن
شاهنامه هستند؛ حالا یکی دوست دارد بازگر نقشی
از شاهنامه باشد. دیگری دوست دارد نقایل کند
و آن یکی دوست دارد قصه گویی آن باشد.

عزت نفسی که آموزش به بچه ها داد

غزاره تولکی فر پیش از آنکه دوماه آموزش داوطلبانه رادر آرامگاه فردوسی برای بچه های تو س قبول کند. سال هاست از سر شیفتگی به شاهنامه بچه هارا باباین کتاب بزرگ و شوکتمند هایش آشنا نمی کند. او که طی دو ماه آموزش مفاهیم و رمزگشایی ایات و داستان های شاهنامه را برای بچه ها برعهده داشت، با آموزش ستایش ادب، ستایش خرد و ستایش مهربه آن هاعزت نفس داد.

حالا با اعتقاد بر اینکه کودکان به عنوان سربازان فرهنگی آینده باید با شاهنامه پیوند بخورند و در این راستاراهی جزا موزش وجود ندارد، می گوید: در این دوره برای بچه هاد استان های سیاری را بیان و تشریح کردم که باشند دادن عکس همراه بود. بر ایشان تعجب آور بود که ما هم عصری بخندان داشته ایم که بدوران سیامک برمی گردیم... آن ها آموختند که شاهنامه افسانه نیست.

18

ستاره شهناواز که به وقت گفت و گویا مادر هامی گوید حضور در چنین دوره ای افتخار کار نامه اوت است، تجربه سال های برگزاری کارگاه های جشن باستان و مادر و کودک را دارد.

اویط دوماه آیین های باستان را به بچه ها آموزش داد تا به قول خودش، در راستای ارتقای فرهنگ با نام فردوسی و شاهنامه گامی بردارد.

شهنواز می گوید: در این طرح تلاش کردم کودکان را از طرق قصه گویی، بازی های کروهی، نمایش خلاق، کاردستی و فعالیت های هنری با بخش هایی از استان ها و آیین های شاهنامه آشنا کنم. بچه ها با حشن نیمه تابستان (تموز) و امدادگان، شهریورگان و مهرگان آشنا شدند و در قالب تجربه های شاد و مشارکتی مثل نقاشی، ساخت دیوار امرداد و بازی های نمایشی توانستند با مقاومت فرهنگی و ارزش های باستانی آشنا شوند.



ساهنامه نهادهای توسعه

کودکان و نوجوانانشان را در تابستان به این مجموعه بسپارند. قرار هم این بود که در قالب طرح «یک تابستان با شاهنامه» کودکان و نوجوانان این محدوده بیشتر با شاهنامه آشنایشوند تا در آینده، آنها که در جهان آرآمگاه فردوسی زندگی می‌کنند. سربازان میراث فرهنگی و حافظان زبان فارسی باشند.

با این کار از ششمند، طی دوماه مرداد و شهریور، بچه های زیادی به رایگان آموزش دیدند و هنر تعدادی از آن ها را در جشن سده که ۱۰ مهر امسال در آرامگاه فردوسی برگزار می شود، خواهیم دید.

گزارش پیش رونگکاری دارد به این طرح خلاقانه که باعث شد همسایه های آرامگاه فردوسی پیشتر با شاهنامه آشناسانشوند.

